

## تک نگاری یک مجله روزانه افسانه، مجله ای یگانه

### ۱ - اشاره

دوره ناقص نشریه ای که به نام افسانه در اختیار این بنده است و این تک نگاری بر مبنای آن نوشته شده است؛ همچنان که در مقدمه تک نگاری تذکره نصرآبادی نوشتم، در میان انبوه یادداشتها و کتابها و اوراقی که در تهران داشتم به همت همسر و پیش از انقلاب به امریکا آورده شد. به این جهت از چهار دوره کامل آن که در تهران داشتم تنها دو دوره - دوره های اول و دوم - آن هم با کم و کسر شماره هایی برای این بررسی مورد مطالعه قرار گرفته است. بدیهی ست که اگر دوره کامل افسانه از سوی فرد دیگری که به آن دسترسی دارد مورد تحقیق قرار گیرد کاستیهای مقاله حاضر جبران خواهد شد.

### ۲ - افسانه مجله است یا کتاب؟

مرحوم محمد رضانی صاحب مؤسسه خاور که مؤسسه انتشاراتی او بیشتر با نام کلاله خاور معروف اهل کتاب بود در پشت جلد شماره اول از دوره اول، نشریه ای را که به بازار داده این طور معرفی کرده است:

#### افسانه

هفته ای یک مرتبه کتاب نفیسی در پنجاه صفحه مشتمل از داستانهای کوچک شیرین به نام فوق از طرف مؤسسه خاور منتشر می شود.

شرایط اشتراک به قرار ذیل است:

۲۴ جلد که در شش ماه منتشر می شود و یک دوره افسانه را تشکیل می دهد دو تومان قیمت دارد و قبلاً دریافت می شود. برای تسهیل در ولایات هم فرقی در قیمت گذاشته نخواهد شد. کسانی که پنج نفر مشتری برای دوره افسانه تهیه نمایند یک دوره مجاناً تقدیم خواهد شد.

آقایان ادبا و نویسندگانی که افسانه های کوچک ترجمه یا تألیف نموده و حاضر دارند می توانند به مؤسسه خاور رجوع نمایند. در مقابل طبع هر جلد سی مجلد به آنان تقدیم خواهد شد.

محمد رضانی صاحب مؤسسه خاور

تا چند هفته ممکن است برای تنظیم و ترتیب و تهیه افسانه های شیرین اختلافاتی در ایام انتشار رخ دهد ولی دوره افسانه ۲۴ نمره است نه کمتر.

از این معرفی چنان بر می آید که:

- ۱- ناشر در آغاز نشریه خود را کتاب معرفی کرده است.
- ۲- یک محدودیت حجم صفحات (۵۰ صفحه) برای نشریه خویش قائل شده است.
- ۳- فروش نشریه را بر پایه اشتراک قرار داده است.
- ۴- قیمت واحدی را برای تمام کشور در نظر گرفته است.
- ۵- حق التألیف و یا حق الترجمة همکاران را از همان آغاز کار مشخص کرده است (۳۰ نسخه).
- ۶- عدم اطمینان به نظم انتشار سبب شده که او تذکر دهد که نشریه ۲۴ شماره خواهد بود و اگر اختلالی در انتشار پیدا شود مشترکان ۲۴ شماره را به عنوان یک دوره دریافت خواهند داشت.
- ۷- از به دست آمدن دو عدد ۲۴ شماره در شش ماه به نظر می رسد که ناشر قصد انتشار هفتگی افسانه را داشته است.

### ۳- شناسنامه افسانه

نام مجله: افسانه

محل اداره: خیابان پستخانه، مقابل خیابان صاحب اختیار، تهران.

صاحب امتیاز و مدیر یا ناشر: محمد رضانی.

سردبیر: روزبه (این نام مستعار فقط در شماره اول دوره اول آمده است).

فواصل انتشار: دوره اول (نامنظم)، دوره دوم روزانه پنج روز در هفته غیر از ایام تعطیل.

تاریخ انتشار اولین شماره: شنبه ۱۳ آبان ماه ۱۳۰۶ خورشیدی ۵ نوامبر ۱۹۲۷.

تاریخ انتشار آخرین شماره: ؟

قیمت مجله: هر جلد یک قران برای سراسر کشور (دوره اول)، شش شاهی در تهران و هفت شاهی در ولایات (دوره دوم).

قیمت اشتراک: شش ماهه دو تومان (دوره اول) ماهانه ۲۰ شماره ۵ قران (دوره دوم)

قطع مجله: ۱۳×۱۶/۵ سانتیمتر (جیبی)

تعداد صفحات: ۵۰ صفحه تا ۶۰ صفحه. بدون احتساب جلد در دوره اول - ۱۶ صفحه بدون احتساب جلد در دوره دوم.

تعداد ستونها: یک ستونی ۸ سانتیمتر.

نوع حروف: حروف سریبی دستی آلمانی.

نوع کاغذ: کاغذ کاهی روزنامه.

نوع کاغذ جلد: کاغذ نازک الوان.

نوع چاپ: چاپ ماشین مسطح.

نام چاپخانه: چاپخانه خاور.

محل چاپخانه: تهران.

محل انتشار: تهران.

تیراژ: ؟

شعار مجله: فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آر که نورا حلاوتی ست دگر

ویژگی مجله: مجله ای ست داستانی مرکب از داستانهای تألیف یا ترجمه شده.



#### ۴ - معرفی ناشر افسانه

در اولین شماره دوره اول افسانه، محمد رضانی صاحب مؤسسه خاور توضیحی درباره طرز کار مؤسسه خود و انتشارات این مؤسسه نوشته است که نگاهی به آن از جهت اطلاع از بخشی از تاریخ نشر در ایران خالی از فایده نیست.<sup>۱</sup>

برای آن که اسم مؤسسه ما پارسی باشد مدتی بود تصمیم گرفته بودم لفظ شرق که عربی بود به فارسی مبدل نمایم. به همین مناسبت اخیر نام فوق را برای مؤسسه خود اختیار نمودم.

مؤسسه خاور عبارت است از چاپخانه، کتابخانه، مجله، صحافی، کاغذ فروشی و مرکز آن واقع است در خیابان پستخانه، مقابل خیابان صاحب اختیار.

«چاپخانه خاور» برای طبع و نشر کتب و اوراق با قیمت سهل و مناسب حاضر است.

«کتابخانه خاور» همان طور که در مدت چهار سال امتحان داده شده و ۷۶ جلد کتاب نافع به طبع

رسانیده، برای طبع اقسام کتب کلاسی، تاریخی، ادبی، افسانه و غیره مستعد است.

«مجله خاور» در مهرماه ۱۳۰۶ منتشر خواهد شد.

«صحافی» برای تجلید و ترتیب کتب و اوراق حاضر است.

«کاغذ فروشی» دارای کاغذهای روزنامه، مکتوب، انگلیسی، چهارورقی و غیره می باشد.

فهرست خدمات چهار ساله مشروح و مفصل در تحت طبع است و به زودی منتشر خواهد شد.

فرمایشات ارباب رجوع لازم است به آدرس فوق باشد

محمد رضانی صاحب مؤسسه خاور

با مطالعه این توضیحات مشخص می شود که رضانی دو نشریه به نامهای افسانه و خاور منتشر می کرده است و خود، صاحب تمام امکانات حروفچینی، چاپ، صحافی و فروش کاغذ بوده است. اما مجله خاور هرگز به این نام منتشر نگردید و انتشار آن با همان نام شرق ادامه یافت و در تاریخ مطبوعات ایران شرق یکی از مجلات معتبر ادبی ست.<sup>۲</sup>

درباره ناشر افسانه فرزند مرحوم رضانی در مصاحبه ای با آقایان عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی در مجله بخارا اطلاعاتی نه چندان کافی به دست داده است. اما این بنده که خود از کتابفروشی رضانی کتب داستانی و همین دوره های افسانه را خریداری می کردم، رفتار بسیار فروتنانه و توأم با محبت او را نسبت به مشتریان، خاصه مشتریان جوان از یاد نمی برم و نیز سعه صدری را که در فروش کتب داشت نمی توان فراموش کرد به نحوی که گاه به هر مقدار پول که خریدار در اختیار داشت قناعت می کرد و آن را می ستاند.

مرحوم رضانی سالها در کار نشر پای فشرد و فرزند ایشان محسن رضانی در آن مصاحبه تأکید کرده است که پدر جز از راه نشر طریق اعاشه دیگری نداشت و «بلکه هر چه ارث پدری داشت بر سر این کار گذاشت».<sup>۳</sup>

محمد رضانی بعدها یکی از پیشگامان انتشار کتابهای ارزان به ویژه کتب درسی در ایران شد و سلسله کتابهای درسی فارسی دبیرستانها را با مشارکت استادان محمد تقی بهار، غلامرضا رشید یاسمی، بدیع الزمان فروزانفر، عبدالعظیم قریب، و جلال همایی به بازار داد.

او به جز مجلات شرق و افسانه، فصلنامه ای به نام کتاب در ایران منتشر ساخت که دوره اول آن شامل چهار جزوه در یک جلد در پایان سال ۱۳۱۱ به بازار آمد. بنده در تهران همان دوره اول این نشریه را داشتم که در آن به نوعی کار نقد و معرفی کتاب صورت گرفته

بود و شاید بتوان گفت که نخستین مجلهٔ معرفی و بررسی کتاب در ایران بود.<sup>۴</sup>

## ۵ - فلسفهٔ ایجاد و انتشار افسانه

روزبه که ظاهراً نام مستعاری ست برای سردبیر افسانه، در اولین شمارهٔ دورهٔ اول این مجله علت انتشار آن را به این شرح بیان می‌دارد:

در ادبیات اروپایی اخیراً افسانه اهمیت و پیشرفت مهمی حاصل کرده و رفته رفته جای رمان را می‌گیرد به طوری که نویسندگان معروف این عصر غالباً به نوشتن افسانه اهمیت می‌دهند و کمتر رمان مفصل نوشته و منتشر می‌سازند.

علت این مسأله هم پر واضح است سابقاً نویسندگان برای توضیح و بیان نظریه و مطلبی یک کتاب رمان می‌نوشتند و برای پروراندن حکایت آن قدر شاخ و برگ و شرح و تفصیل به آن اضافه می‌کردند که غالباً اصل موضوع در میان آنها مفقود می‌شد و خواننده برای آن که یک نتیجهٔ اخلاقی یا فلسفی یا اجتماعی به دست بیاورد مجبور بود تمام آن کتاب مفصل را بخواند و از این راه مدتی از وقتش بیهوده تلف می‌شد.

اما دنیای امروز با پنجاه سال، بیست سال، ده سال و حتی با سال گذشته خیلی فرق کرده است و سیر حرکت مدنیت به قدری سریع شده است که مردم اوقات فراغت زیاد ندارند و تلاش و پویه زندگی به آنها اجازه نمی‌دهد که در روز بیش از یکی دو ساعت صرف تحصیل و مطالعهٔ کتاب کنند.

به همین جهت رمانهای بزرگ در یکی دو سال اخیر از فهرست کتب عمومی که اکثریت مردم آنها را می‌خوانند رفته رفته خارج و به جای آن افسانه‌های کوچک روی کار آمده است و واقعاً هم در صورتی که یک مطلب عمده را می‌توان در یک قصهٔ کوچک پروراند و نتیجهٔ مطلوب را صاف و مستقیم گرفت چه لازم است که همان مطلب را به وسیلهٔ یک کتاب طویل و مفصل بیان کرد و معانی لطیف و دقیق را در عبارات ممل و خسته کننده پوشانید؟

مثلاً عین افکار و مطالبی را که ویکتور هوگو در کتاب معروف خود میزابل با آن همه شرح و تفصیل بیان کرده است،<sup>۲</sup> آناتول فرانس همان مطالب را به طور ایجاز و اختصار در یک قصهٔ کوچک (کرنکوویل) تشریح کرده و نقائص قوانین اجتماعی و ضررهایی که از آنها به افراد جامعه می‌رسد در دو سه صفحه به طور کامل مجسم نموده است. گذشته از رمانهای فلسفی و اخلاقی یعنی رمانهایی که مؤلفین آنها خواسته‌اند نتیجهٔ فکری و اخلاقی از آنها بگیرند، رمانهایی هم که برای تفریح و گذراندن وقت نوشته شده باز اگر مفصل باشد امروز چندان خواننده ندارد و کمتر کسی در طی مطالعهٔ آنها می‌رود و به همین جهت قصه‌های کوچک موباسان و کونان دوویل امروز از

رمانهای دوما و بالزاک بیشتر کسب اشتهار کرده و خواننده زیاده‌تر دارد.

\*\*\*

مؤسسه خاور که سابقاً منحصر به کتابخانه شرق و بعد عبارت از کتابخانه و مطبعه شرق با هم و بالاخره در نتیجه کوشش و مجاهدت صاحب آن امروز به یک مؤسسه وسیعتر خوبی مبدل شده است با پی بردن به اهمیتی که افسانه\* در دنیای ادبیات امروز حاصل کرده تصمیم گرفته است که هر هفته یک جلد کتاب به شکل مجله با قطع مناسب و در حدود پنجاه تا شصت صفحه به اسم افسانه منتشر نماید و در هر جلد یک یا چند قصه کوچک شیرین از نویسندگان اروپایی ترجمه نماید و یا اگر نویسندگان ایرانی قصه‌های خوبی نوشته و حاضر داشته باشند آنها را منتشر کند. قصه‌های مزبور لازم نیست همه در یک رشته و یک نوع معینی باشد و تصمیم ناشر بر آن است که از قصه‌هایی که فقط رمان و برای تفریح خوانندگان است تا افسانه‌هایی که جنبه فلسفی و اخلاقی هم دارد همه را در این سلسله انتشارات بگنجاند تا نفع آن عاید کلیه خوانندگان بشود و هر کس به فراخور ذوق و سلیقه خود استفاده از آن بنماید.

اینک اولین جلد افسانه که انتشار می‌یابد عبارت از دو قصه کوچک از دو نفر نویسنده مشهور اروپایی کونان دویل و ولتر است که مترجم آنها آقای سلطان حمید خان امیر سلیمانی به وسیله ترجمه و انتشار آنها برای اولین بار قدم به حوزه مطبوعات و ادبیات می‌گذارند و در همین قدم اول حسن سلیقه و ذوق خود را معرفی می‌کنند و با این حسن انتخاب و انشاء سلیس و روانی که در ترجمه این دو قطعه به کار برده اند می‌توان امیدوار شد که در آتیۀ نزدیکی در ردیف مترجمین خوش ذوق ما قرار بگیرند.

ضمناً لازم است این نکته را هم متذکر گردد که تراجم احوال مختصری که از هر نویسنده در ابتدای قصه ترجمه شده و طبع می‌شود بر قیمت و نفاست سلسله انتشارات «افسانه» می‌افزاید (روزبه).

از مطالعه این مقدمه یا به اصطلاح روش نامه افسانه نکات جالبی را می‌توان دریافت و بازنوشت:

الف- زبان روان مقدمه نویسی که خود را «روزبه» نامیده است نزدیکی فراوان به نثر مرحوم سعید نفیسی دارد که شاید در هنگام انتشار افسانه از مشوقان مرحوم رضائی بوده است و بعداً هم مدیریت مجله شرق او را به عهده گرفته و اداره کرده است. خاصه آن که در دوره دوم این مجله سعید نفیسی هفت داستان کوتاه به نامهای «ریش گرو گیس»، «طوق

\* مفسود از افسانه، قصه‌های کوچک است که به فرانسه «نول» و به انگلیسی «شورت استوری» می‌گویند، و ما در فارسی کلمه «افسانه» را برای آن انتخاب کرده ایم.

لعنت»، «پس از مرگ پسرش»، «شهوة کلام»، «سیل تمدن»، «فرنگی مآبی»، و «خانه پدری» نوشته است که زبان این داستانها از یک سوشیبه زبان روش نامه است که آمد و از سوی دیگر شباهتی تام به داستانهای کوتاه او در مجموعه ستارگان سیاه دارد.

ب- نویسنده برای اولین بار هدف از چاپ افسانه را معرفی داستانهای کوتاه (که او معادل فرانسوی اش را «نول» (nouvelle) و انگلیسی اش را «شورت استوری» (short story) خوانده، عنوان کرده است و پیداست که این نوع ادبی از داستان نویسی در آن سالها کم کم مورد توجه مردم قرار گرفته بوده است و همین توجه است که با فاصله چند سال به اقبال خواص به داستانهای کوتاه صادق هدایت منجر می شود و چنان که خواهیم دید حتی خود هدایت یکی از کوتاه ترین داستانهایش را در همین مجموعه می نویسد.

پ- توجه علاقه مردم به داستان کوتاه و گرفتاری روزمره نشانه دیگری است که با استقرار رضاشاه بر تخت سلطنت (۲۵ آذر ۱۳۰۴) حیات اجتماعی ایران وارد مرحله تازه ای شده است که در آن:

اولاً - حرکت و فعالیت اجتماعی طبقات شدت یافته.

ثانیاً - مطبوعات اندک اندک از مسیر مطبوعات عقیدتی تغییر جهت داده و به سوی مطبوعات سرگرم کننده و ادبی حرکت کرده اند و انتشار اولین شماره افسانه در ۱۳ آبان ماه ۱۳۰۶ یعنی دو سال بعد از آغاز سلطنت رضاشاه پهلوی مؤید این تحول مطبوعاتی است.

ت- نویسنده «روش نامه» همچنان با انتخاب دو ترجمه از سلطان (سروان) حمیدخان امیر سلیمانی و اظهار این امیدواری که افسانه در آینده محل بروز و ظهور استعدادهای تازه در زمینه ترجمه و تصنیف خواهد بود کاملاً توجه نشریه را به نسل جوان آن روز می رساند.

ث- نویسنده در عین حال تأکید بر آن دارد که این نشریه تنها برای چاپ آثار فلسفی و اخلاقی منتشر نمی شود بلکه به انواع دیگر داستانهای ادبی که برای تفریح و وقت گذرانی نوشته شده است توجه خواهد داشت و به این طریق می بینیم که آغاز گرایشی به سوی داستانهای مردم پسند در ادبیات روز آن زمان مشاهده می شود و با دیدن اسامی کسانی که بعدها در صحنه روزنامه نگاری ایران چه از طریق این کار حرفه ای و چه از جهت داستان نویسی مردم پسند شهرتی یافته اند به خوبی آغاز جنبش داستان نویسی مطبوعاتی را مشاهده می کنیم. نامهای کسانی چون عبدالرحمن فرامرزی، حسینقلی مستعان،

م. دهاتی (محمد مسعود) در میان اسامی اولین نویسندگان دوره اول افسانه دیده می شود.

ج- به موازات این امر نام کسانی که بعدها در زمینه داستان نویسی معاصر و ادبیات دوران پهلوی صاحب آوازه ای هستند، پشت جلد افسانه ها دیده می شود و پرویز ناتل

خانلری، مسعود فرزاد، بزرگ علوی، و صادق هدایت از این گروهند.

ج- در مقدمه، وعده داده شده است که به هنگام چاپ هر اثر، مخصوصاً آثار ترجمه به معرفی نویسنده اثر نیز توجهی بشود تا خوانندگان آن نویسنده غیر ایرانی را بهتر بشناسند. اما به این وعده فقط تا شماره چهارم دوره اول عمل شده است و سپس این کار به طور منظم متوقف مانده و در دوره دوم به علت کم شدن تعداد صفحات به کلی متوقف گردیده است.

ح- از مقدمه شماره اول بر می آید که برخلاف گفته آقای محسن رضانی که مدعی است «این مجلات هیأت تحریریه و هیچ کمکی نداشت و همه کارها را خود پدرم یک تنه انجام می داد از تهیه مطلب گرفته تا چاپ و تصحیح و نشر و توزیع و فروش»<sup>۵</sup> چندان درست به نظر نمی رسد و همان طور که خود ایشان بعداً اصلاحی در عبارت خود کرده و مدیریت شرق را به دشتی و فلسفی و نفیسی منسوب دانسته است، باید فکر کرد که ذهن آگاه و آشنایی به مسایل ادبیات آن روز جهان در پشت فکر ایجاد مجله افسانه وجود داشته است و همان طور که اشاره شد صاحب این فکر به احتمال قوی جز سعید نفیسی کسی دیگر نمی توانست باشد. زیرا هنگامی که از آناتول فرانس Anatole France (۱۸۴۴-۱۹۲۴) سخن به میان می آید تازه در آن سال (آذر ۱۳۰۶ / نوامبر ۱۹۲۷) از مرگ پادشاه نثر فرانسه و برنده جایزه ادبی نوبل ۱۹۲۱ سه سالی بیش نمی گذشته است همچنان که سر آرتور کونان دوئل Sir Arthur Conan Doyle (۱۸۵۹-۱۹۳۰) خالق و آفریننده شخصیت پلیسی شرلوک هولمز هنوز در قید حیات بوده و صیت شهرت این دو به گوش دست اندرکاران آشنا به ادب و داستان نویسی آن روز اروپا رسیده بوده است.

خ- از مقدمه جلد اول دوره اول بر می آید که در آن سال تحولی در کار مؤسسه خاور پیدا شده و همان طور که فرزند آقای رضانی اظهار داشته است چاپ سنگی که اساس کار چاپخانه خاور بوده به چاپ سربی تبدیل گردیده است.

## ۶- بررسی کوتاه مطالب دوره های اول و دوم افسانه

### الف - دوره اول

همچنان که اشاره شد دوره اول افسانه قرار بود با تعداد صفحاتی بین ۵۰ تا ۶۰ صفحه به مدت شش ماه، آن هم به طور هفتگی منتشر شود. اما اگر انتشار شماره اول آن به تاریخ شنبه ۱۳ آبان ماه ۱۳۰۶ است، دهمین و آخرین شماره ای که از دوره اول در اختیار این بنده است تاریخ اسفندماه ۱۳۰۷ را دارد و این نشان می دهد که ناشر بر خلاف آرزوی قلبی و



جلد اول  
دوره اول

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر  
سخن نو آ که نور حلاوتی است دگر

# افسانه

معشوقه مومینانی  
سرگذشت مومن

نگارش

کونان دو یل - ولترنگی

ترجمه

سلطان حمید امیر سلیمانی

از نشریات مؤسسه خاور

شنبه ۱۳ آبانماه ۱۳۰۶

قیمت هر جلد یکقران

چاپخانه خاور - تهران

برابر پیش بینی قبلی که به آن اشاره شد در طول مدت ۱۶ ماه نتوانسته است بیش از ده شماره از مجله ای را که آرزو داشته به صورت هفتگی منتشر سازد، به چاپ برساند. به عبارت دیگر او از ۶۴ شماره پیش بینی شده فقط به چاپ ده شماره توفیق یافته است.

نام مترجمان و مؤلفان ایرانی ده شماره اول از این قرار است: سلطان حمید امیر سلیمانی، عطاء الله دیهیمی، آقا شیخ موسی نثری همدانی، پویان صدیق عمایی، حسینقلی مستعان، عبدالرحمن فرامرزی، محسن صبا، و امیر هوشنگ نیر نوری.

از نویسندگان خارجی نیز این اسامی در شماره های دوره اول دیده می شود: ولتر، تولستوی، مویاسان، کونان دوویل، جیمس ولز و بالاخره دکتر زامنهف خالق مشهور زبان بین المللی اسپرانتو که در آن روزگار شهرتی عالمگیر داشته است.

از جهت تحقیق در سیر داستانهای تخیلی علمی در ایران ذکر این نکته درخور توجه است: در شماره سوم این دوره داستانی به نام «طی زمان» به چاپ رسیده است که نویسنده آن موسی خان نثری همدانی است در این داستان که شاید نویسنده آن متأثر از داستانهای تخیلی آخر قرن نوزدهم فرانسه است قصه خود را بر مبنای سفر یک محقق به ۲۴ قرن قبل قرار داده و قهرمان داستان او که به علم هیأت و فیزیک و مخصوصاً نور علاقه مند است می خواهد که با کمک دستگاهی که اختراع کرده مردمان ۲۴ قرن قبل را به زمان حاضر بیاورد.

نویسنده دیگری که در این دوره، داستانی در ۵۲ صفحه نوشته حسینقلی مستعان است که داستانی مقتبس از افسانه های قدیمی را به صورت یک داستان بلند در ۱۶ فصل و یک خاتمه نگاشته و در جلد هشتم دوره اول در اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ منتشر ساخته است. به نظر می رسد که این اولین کار مستقل و طولانی مستعان پاورقی نویسنده پر کار سالهای بعد باشد. مستعان در جلد هفتم همین دوره نیز ترجمه داستانی را بدون ذکر نام نویسنده و فقط با قید آن که داستان نوشته یکی از نویسندگان اخیر فرانسه است با عنوان «عنتر شجاع عرب» ترجمه و به چاپ رسانیده است. با سابقه ای که از نوع کار مستعان در اقتباس و دوباره نویسی داستانهای اروپایی در دست است معلوم نیست که او این داستان را واقعاً ترجمه کرده و یا مانند داستان «ماجرای دل» از خود نوشته است.

عبدالرحمن فرامرزی سرمقاله نویسنده و روزنامه نگار مشهور ایران هم در جلد نهم افسانه که به تاریخ آبانماه ۱۳۰۷ منتشر شده داستانی در ۴۵ صفحه به نام «سرگذشت یک بدبخت» نوشته است که خود او در پایان داستان تصریح کرده که «این افسانه را بنده هفت سال قبل نوشته بودم و برای نمونه از انشاء هفت سال قبل بدون حک و اصلاح به طبع آن

اقدام نمودم»<sup>۶</sup> فرامرزی بعدها نویسنده داستانهای عاشقانه تاریخی بود که زیر عنوان کلی «داستان دوستان» به چاپ می رسید و هواداران بسیار داشت. از یاد نباید برد که همان طور که در شماره اول دوره اول وعده داده شده بود داستانهای سیرگرم کننده و مخصوصاً داستانهای پلیسی شرلوک هولمز از کونان دویل و داستانهای کارآگاه خصوصی امریکایی نات پنکرتون در این دوره به چاپ رسیده است. همچنین در پشت جلد بعضی از شماره های این نشریه نام کتابهای همگان پسند آن زمان با ذکر تعداد مجلدات و بهای آن به چاپ رسیده است و در حقیقت این کتابها از انتشارات مؤسسه خاور بوده که ناشر برای تبلیغ فروش آنها به پشت جلد مجله خود متوسل می شده است. از جمله نامهایی که در پشت جلد شماره نهم افسانه می توان دید باید از آرسن لوپن در ۱۳ جلد، رکامبول از جلد پنجم تا جلد یازدهم، پسر پاردا یانها در ۱۴ جلد و... یاد کرد. کتابها به نرخ روزنسبه گران است و فرضاً بهای ۱۳ جلد آرسن لوپن ۷۰ قران معین شده.

### ب - دوره دوم

افسانه از آغاز دوره دوم به صورت منظم روزانه منتشر می شود. در روی جلد مجله این جمله داخل کادر به چشم می خورد: «این کتاب ماهی بیست جزوه همه روزه سوای جمعه و دوشنبه و ایام تعطیل منتشر می شود. هر کس پنج قران به مؤسسه خاور بفرستد ۲۰ جزوه در یک ماه مرتباً فرستاده خواهد شد».

از شماره ۱۳ به بعد دوره دوم، ناشر با جایگزین کردن کلمه «افسانه» به جای «کتاب» اذعان می کند که نشریه او کتاب نیست اما از اطلاق نام مجله نیز بر این نشریه امتناع می ورزد.

از شماره چهارم و نهم دوره دوم ناشر اعلام می دارد که دوره افسانه صد جلد است که در پنج ماه منتشر می شود». یعنی همچنان به تعهد ۲۰ جلد در ماه پایبند می ماند. در همین زمان قیمت اشتراک پنج ماهه را نیز پشت جلد بیست و پنج قران اعلام می دارد. در داخل جزوه هفتاد و چهار، ناشر تصریح می کند که عمر دوره دوم در ۸۰ جلد در اسفندماه ۱۳۰۹ به پایان خواهد رسید و دوره سوم آغاز می شود.

در دوره دوم شعار:

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آر که نورا حلاوتی ست دگر

که از شماره اول دوره اول تا شماره هفتم بر بالای مجله بود، سپس جای خود را به

فسانه ها همه خواب آورد، فسانه من ز دیده خواب رباید فسانه عجیبی ست

جزوه سوم - دوره دوم      شنبه سوم آبان ۱۳۰۹

# افسانه

## طوفان

ترجمه  
پ. ناتل . خانلری

بقلم  
شکسپیر

از نشریات مؤسسه خاور

قیمت در طهران شش و در ولایات هفت شاهی

این کتاب ماهی بیست جزوه همه روزه سوای جمعه و  
دوشنبه و ایام تعطیل منتشر میشود  
هرکس پنجقران بمؤسسه خاور بفرسند ۲۰ جزوه در یکماه  
مرتباً فرستاده خواهد شد

فردا باقی این افسانه و افسانه دستمال را خواهید خواند

چاپخانه (خاور) تهران

بشت جلد جزوه دوم، دوره دوم افسانه

به کلی حذف می شود و جای آن ناشر ابتکار تازه ای می کند به این معنی که هر شماره از مجله خود را به نام یکی از مشترکان افسانه به چاپ می رساند و نام این مشترک در داخل جلد در بالای صفحه چاپ می شود و روز بعد نام مشترک دیگری به جای مشترک روز پیش در صفحه داخل جلد می آید. اولین مشترکی که شماره اول از دوره دوم افسانه به نام او منتشر شده است «آقای میرزا حسن خان انصاری عضو محترم وزارت پست و تلگراف و تلفن» است. بدیهی ست که نظر ناشر در چاپ اسامی این مشترکان تشویق هرچه بیشتر خوانندگان به اشتراک نشریه است تا مگر کسانی با دیدن نام خود در داخل جلد افسانه نوعی احساس در آمیختن با فضای ادب روز را پیدا کنند. در عین حال پیداست که بعضی از مشترکین این نشریه از علاقه مندان داستان و ادبیات بوده اند و ما به نامهای آدمهای سرشناس همان روزگار یا روزگار بعد برخورد می کنیم. فرضاً جزوه شماره ۷۵ به نام میرزا شهاب خان کرمانی پدر دکتر مظفر بقایی سیاستمدار معروف و جزوه ۷۸ آن به نام حسام زاده بازارگاد که بعدها به نام دکتر بازارگاد در پیشاهنگی ایران و سپس روزنامه نگاری پر آوازه شد منتشر گردیده است.

در همین دوره دوم است که آگهی انتشار شماره اول مجله شرق به سردبیری سعید نفیسی را می بینیم و همکاران این مجله و موضوعات مقالات آنها را می خوانیم. در آگهی پشت جلد افسانه، جزوه سی ام دوره دوم به تاریخ شانزدهم آذر ۱۳۰۹ انتشار قریب الوقوع شرق مرده داده شده است که این مجله از اول دی ماه مرتباً همه ماهه منتشر خواهد شد و آن گاه در جزوه چهل و سوم به تاریخ پنجشنبه ۶ دی ماه ۱۳۰۹ خبر انتشار مجله شرق با ذکر نام همکاران و مقالات آنها آمده است که از جمله نام این اشخاص در زمره همکاران مجله دیده می شود: سعید نفیسی، سید جلال الدین طهرانی، عباس اقبال آشتیانی، ملک الشعراء بهار، دکتر رضازاده شفق، رشید یاسمی، نصرالله فلسفی، رهنما [ظاهراً زین العابدین]، میر محمد حجازی، شادمان [ظاهراً دکتر سید فخرالدین]، عبدالحسین میکده، و مسعود فرزاد.

غرض از ذکر این مختصر بار دیگر تأکیدی ست بر این که به احتمال قریب به یقین مجموعه افسانه زیر نظر سعید نفیسی منتشر می شده است چه جز این که خود او در این دوره دوم و پیش از چاپ شرق هفت افسانه برای مجموعه نوشته است، نویسندگانی چون مسعود فرزاد و سلطان محمد علی خان صفاری [سرتیپ محمد علی صفاری رئیس شهربانی و سناتور دوران محمد رضاشاه] ترجمه و نوشته خود را به سعید نفیسی اهداء کرده اند و مسعود فرزاد در مقدمه داستان «سیل بجنورد»، شماره ۵۶ افسانه آن را با این عبارت به سعید نفیسی تقدیم کرده است «تقدیم به سعید نفیسی اولین مشوق من در ادبیات. م. ف.».

افسانه در دوره دوم گاه پشت جلد های خود را به معرفی فروشندگان این نشریه نیز اختصاص داده است و با نگاهی به این صورت نمایندگان به خوبی دیده می شود که این نشریه از دزداب [زاهدان] در شرق بلوچستان تا قصر شیرین در منتهی الیه غرب کشور و از تبریز در شمال تا بندر لنگه در جنوب توزیع می شده است و در شهرهای مهم مثل تبریز، مشهد، رشت، شیراز گاه دو تا سه فروشنده در مغازه های خود آن را توزیع می کرده اند. همچنین در این دوره دوم است که ناشر دست به ابتکار تقریباً بی سابقه ای می زند و در جزوه شصت و نهم به تاریخ سه شنبه پنجم اسفندماه ۱۳۰۹ بیست صفحه را به تبلیغ و معرفی کتب و مجلات مؤسسه خاور، چاپ فرم اشتراک برای دوره سوم افسانه، مجله شرق، کتاب و نیز شاهنامه فردوسی که به صورت جزوه و به طور ادواری منتشر می شود اختصاص داده است.

در همین جزوه است که ناشر فهرست کلیه آثار منتشره در دوره دوم را - حتی با ذکر نام پانزده جزوه که در آینده منتشر خواهد شد - به دست می دهد و هم به لطف این فهرست است که این بنده به دو نکته که متأسفانه به علت کسری دوره دوم به آن دسترسی نداشته ام بر می خورم.

اول - برای نخستین بار اسم خانم مترجمی به نام جمیله فرخ در شمار نویسندگان و مترجمان دوره دوم افسانه آمده است و نشان می دهد که زن مترجمی هم در این سالها (۱۳۰۹) می تواند در سلک مردان مترجم درآید.

دوم - خانم فرخ سه جزوه از این دوره را به ترجمه سه اثر معروف ویکتور هوگو با نامهای نود و سه، کارگران دریا، مردی که می خندد اختصاص داده است. البته آشنایان با این سه رمان معروف به خوبی می دانند که هر کدام از این داستانها با حجمی متجاوز از ۳۰۰ صفحه نوشته شده و بنا بر این ترجمه های خانم فرخ حتماً از روی جزوه های آسان شده و تلخیص شده این سه اثر صورت گرفته است که در آن روزگار این کار در ادبیات اروپایی به ویژه فرانسوی برای مردم فهم کردن آثار ادبی (vulgarisation) به اصطلاح آن دوران و (popularisation) به اصطلاح نقد امروز کاری بسیار متداول بوده است و نیز بسیاری از ایرانیان از طریق این صورت تلخیص شده با آثار ادبی آشنا می شده اند.

از مجموع ۸۰ نسخه دوره دوم افسانه در مجموعه این بنده به تفاریق زمانی ۱۷ نسخه کسری وجود دارد، اما با نگاهی به آنچه در اختیار است می توان سیمای دگرگون شده و تحول یافته دوره دوم را به نسبت دوره اول کاملاً تشخیص داد.

## پ - درباره نویسندگان و مترجمان دوره دوم

اولین نام مشهوری که در شماره دوم دوره دوم افسانه دیده می شود نام پرویز ناتل خانلری است که با ترجمه طوفان اثر معروف شکسپیر قدم در ساحت مطبوعات آن روز نهاده است. او در این ترجمه نام خود را به این صورت نوشته است «پ. ناتل. خانلری».

این بنده در جایی دیگر متذکر شده ام که نخستین آشنایی من با نام دکتر خانلری از خواندن همین افسانه ها آغاز شد. بعدها در طی مصاحبه ای طولانی که با استاد در گذشته ام داشتم هرگز او را راغب به ذکر جزئیات همکاری اش با این نشریه ندیدم و چنین به نظر می رسید که دکتر خانلری این کار را در حقیقت سیاه مشقی برای کارهای مطبوعاتی ادبی دوره های بعدش در مجله موسیقی و سپس سخن می دانسته است. او در تمام این مدت فقط یک بار آن هم به اشاره اظهار داشت که عبدالرحمن فرامرزی معلم ادبیات او در دارالفنون وی را به نوشتن مقاله و ترجمه آثار خارجی برای مطبوعات آن روزگار تشویق کرده است و با در نظر گرفتن این نکته که فرامرزی از نویسندگان دوره اول افسانه است بعید به نظر نمی رسد که هم به توصیه او دکتر خانلری به کار کردن در افسانه روی آورده باشد. اما محصول کار دکتر خانلری در دوره دوم افسانه درخور اعتناست. او در این دوره مجموعاً ترجمه ۱۲ داستان کوتاه و ۲ قطعه شعر را در افسانه به چاپ رسانیده است. در میان ترجمه های او گی دو موپاسان Guy de Maupassant (۱۸۵۰-۱۸۹۳) داستان نویس فرانسوی که داستانهای کوتاهش شهرت جهانی یافته بود مقام اول را دارد. خانلری همچنین با ترجمه دو شعر: «کریستین» از لوکنت دولیل Leconte De Lisle (۱۸۱۸-۱۸۹۴) و «پدر» از فرانسوا کپه Francois Copee (۱۸۴۲-۱۹۰۸) این دو شاعر ناشناخته را به فارسی زبانان معرفی کرده است.

در دوره دوم افسانه است که یاران بعدی خانلری، مسعود فرزاد و بزرگ علوی نیز به این مجله روی می آورند. بزرگ علوی با ترجمه داستان کوچکی بنام «شبی در پائیز» از ماکسیم گورکی Maxime Gorki (۱۸۶۸-۱۹۳۶) این نویسنده روسی آغاز انقلاب روسیه را به ایرانیان معرفی می کند.<sup>۷</sup>

مسعود فرزاد نیز با نگارش یک نمایش تک پرده ای کمدی به نام «معلم کم آزار» در افسانه کار خود را آغاز می نماید.<sup>۸</sup> فرزاد سپس به ترجمه از انگلیسی می پردازد و هم اوست که برای نخستین بار با ترجمه شعر «قوش» هنری لاتگفلو Henry Longfellow (۱۸۰۷-۱۸۸۲) شاعر امریکایی را به جامعه ادب ایران معرفی می نماید.

متأسفانه دوره سوم افسانه که صادق هدایت با آن همکاری کرده است در اختیار بنده

نیست اما بر اساس مندرجات کتاب نوشته های پراکنده صادق هدایت،<sup>۱</sup> هدایت جمعاً چهار داستان، سه ترجمه، و یک تصنیف در شماره های یازده، بیست و سه، بیست و هشت، و سی و یک دوره سوم افسانه به چاپ رسانیده است که اولین آنها در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۱۰ و آخرین آن در ۳ مرداد همان سال در افسانه منتشر گردیده است.

اما به جز هدایت و یارانش در میان همکاران دوره دوم افسانه نامهای آشنای دیگر نیز به فراوانی دیده می شود که همه بر اثر وجود چنین نشریه ای به شور و شوق نوشتن و ترجمه آمده اند از جمله محمد مسعود روزنامه نگار معروف و مقتول با امضای مستعار م. دهاتی داستان «قاتل کیست» را نوشته است.<sup>۲</sup>

پژمان بختیاری شاعر سرشناس که افسانه اساطیری یونانی پسیشه Psyche را در این مجموعه خلاصه و معرفی نموده است.<sup>۳</sup> و نیز داستان «گره سیاه» اثر ادگار آلن پو Edgar Allan Poe (۱۸۰۹-۱۸۵۹) شاعر و نویسنده امریکایی را به فارسی برگردانده است.<sup>۴</sup>

نایب اول فرهاد دادستان (اولین فرماندار نظامی بعد از ۲۸ مرداد) داستان «امیدواری در یک شب تیره» را نوشته است.<sup>۵</sup>

از میان نویسندگان خارجی که آثار آنها در افسانه منتشر شده است مقام اول را گی دو موپاسان دارد که جمعاً ۹ داستان کوتاه از او در افسانه به چاپ رسیده است. نام نویسندگان و شاعرانی چون آلفرد دوموسه، ویکتور هوگو، آلفونس دوده، هانریش هاینه، و چخوف در شمار نویسندگان و شاعران مورد اقبال مترجمان روز است.

ترجمه از عربی و مطبوعات عربی نیز در همین زمان مورد توجه نویسندگان و مترجمان افسانه است و یکی از مترجمان این مجله به نام اشراق خاوری که معلمی در محمره (خرمشهر) بوده است و طبعاً به نشریات عربی دسترسی بیشتری داشته با ترجمه هایی از مجلات عربی آثار خود را در افسانه به چاپ رسانیده است از جمله داستان «درس مفید» که از مجله العصور قاهره توسط او به فارسی ترجمه شده است.<sup>۶</sup>

#### ۷- فارسی نویسی نویسندگان و مترجمان افسانه

زبان ترجمه در جزوه های افسانه به اعتبار دو عامل آشنایی به زبان خارجی و تسلط به زبان فارسی پست و بلند بسیار دارد. فرضاً ترجمه های دکتر خانلری از موپاسان که نشر فرانسه آرام و روانی دارد به خوبی و راحتی قابل خواندن است هرچند فارسی خانلری در این ترجمه، پختگی و کمال آثار بعدی او را ندارد، مع هذا می توان آن را به عنوان یک نمونه خوب ترجمه به خواننده امروز ارائه داد. قسمت پایانی داستان «پدرکش» از این نویسنده



به ترجمه دکتر خانلری مؤید این ادعاست:

آن وقت از فرط خستگی به زمین نشسته دراز کشید و خوابش در ریود. چون طلیعه صبح ظاهر شد یکی از همسایگان در را باز دیده داخل گشت. ژرمی روی خاک افتاده خر خر می کرد و در اطراف او خرده های یک صندلی ریخته بود. در بستر نیز توده ای از گوشت و خون به نظر

می رسید.

۲۰ دی ماه ۱۳۰۸ - پ. نائل. خانلری.<sup>۱۵</sup>

در مقابل عده ای از مترجمان نیز به چشم می خورند که زبان را فرضاً از راه شنیدن فرا نگرفته اند و صرفاً از طریق خواندن آموخته اند از جمله محمود هدایت برادر بزرگ صادق هدایت داستان کوتاهی از بالزاک با نام «گرنادیر» ترجمه کرده است که هم به ترجمه کلمه موفق نشده و هم نام بالزاک را به املای غلط به قیاس خواندن نوشته است. اسم داستان به فرانسه Grenadier است که R آخر آن تلفظ نمی شود و به معنای انارستان است و باید گرنادیه نوشته شود زیرا «گرنادیر» به فانوسه جای نارنجک اطلاق می گردد. مرحوم محمود هدایت همچنین نام اول بالزاک یعنی Honore را که H اول آن غیر ملفوظ است ملفوظ پنداشته و به جای اونوره دو بالزاک حتی لقب اشرافانه ای را که بالزاک به زحمتی برای خود خریده بود، یعنی de را از اسم او حذف کرده و نوشته است «هونوره بالزاک».

زبان نوشته ها هم به اعتبار نویسندگان پست و بلند بسیار دارد.

محمد مسعود (م. دهاتی) در تنها داستانی که برای دوره دوم نوشته است نثری ساده و قابل فهم و بدون دست انداز دارد:

حضار یقین داشتند که محکمه متهم را محکوم به اعدام خواهد کرد. اضطراب و تشویش غربی در قلب تماشاچیان ایجاد شده بود زیرا قیافه و وضعیت متهم در روح آنها تاثیر مخصوصی نموده و حس می کردند که قانون باز هم با پنجه قوی و لایشر خود می خواهد بیگناهی را فدای ابهت موهوم خود نموده و بر عده بیگناهی که در راه خطای او محو و معدوم شده اند بیفزاید.<sup>۱۶</sup>

در حالی که اغلب نوشته های نویسندگان دیگر دارای ویژگیهای بارز نثر آن روزگار یعنی آوردن مترادفات، استعمال واژگان غیر مصطلح فارسی و عربی به منظور فضل فروشی، عدم رعایت تطابق زمانها در صرف افعال است.

بررسی دقیق این مجموعه محتاج در اختیار داشتن همه نسخ آن و یک مطالعه محتوایی کامل است به این جهت این تک نگاری را با این نتیجه گیری تمام می کنم.

اول - انتشار مجله افسانه از جهت رشد فن داستان نویسی و ترجمه در ۷۳ سال پیش یک واقعه ادبی در خور اعتنای تمام است.

دوم - حضور بسیاری از شاعران، نویسندگان، و مترجمان آن روزگار در این مجله نشان می دهد که مجله تا چه اندازه از محبوبیت زمانی برخوردار بوده است.

سوم - صورت انتشار مجله به ویژه از دوره دوم به این طرف یگانه است. زیرا در تاریخ مطبوعات ایران ما هرگز مجله ای روزانه و ویژه داستان نداشته ایم.

چهارم - قطع مجله در روزگار انتشار قطع نوینی بوده است که بعدها نشریات عمومی دیگر - و نه حتی یک نشریه تخصصی - به آن اقبال کرده اند و در حقیقت مجله جیبی در ایران با افسانه به عالم مطبوعات پا نهاده است و بعد در سال ۱۳۲۹ مجله روزنه با همکاری احمد شاملو و فرهنگ فرهی به عنوان یک مجله ادبی - فرهنگی هفتگی، و سپس مجله ذره ها در حدود سالهای ۱۳۳۱ یا بعد از آن - متأسفانه هیچ مأخذی برای ذکر تاریخ دقیق انتشار این مجله اخیر ندارم - به صورت یک مجله عمومی روزانه و به مدیریت فرهاد هرمزی مدیر بعدی سازمان تبلیغاتی فاکویا از جمله اولین های مجلات جیبی ایران بودند و این مجله اخیر با شعار «هم در جیب آقا جا می گیرد و هم در کیف خانم» به بازار آمد. بعدها تنها مجله داستانی که در قطع جیبی منتشر شد کتاب هفته کیهان به سردبیری احمد شاملو بود که در مهرماه ۱۳۴۰ در تهران انتشار یافت. اما فضل تقدم یک مجله روزانه داستانی همچنان با افسانه باقی مانده است.

پنجم - از جهت بازاریابی و ارائه و پخش این نشریه نیز باید حق نوآوری و دوران دیشیهای مرحوم رضانی را در این جا محفوظ داشت.

برکلی، کالیفرنیا

مردادماه ۱۳۷۹

### پانویسها:

۱- برای معرفی کارنشر و ناشران در ایران مجله بخارا سلسله مصاحبه هایی را با خانواده های معروف ناشران و نیز دست اندکاران نشر در ایران منتشر ساخته است که اولین آنها در شماره ۴ این مجله با گفتگو با عبدالرحیم جعفری مدیر انتشارات امیرکبیر آغاز شده و در شماره ۷ محسن رضانی درباره خاندان رضانی به معرفی پدر و دیگر اعضای این خانواده پرداخته است. این گفتگوها از جهت روشنگری در تاریخ نشر ایران اهمیت بسزایی دارد.

۲- مجله شرق که مرحوم رضانی میل داشت نام آن را به «خاور» مبدل کند در شهریورماه ۱۳۰۳ (سپتامبر ۱۹۲۴) در تهران انتشار یافت. شماره دوم آن دو سال بعد در فروردین ماه ۱۳۰۵ (مارس ۱۹۲۶) منتشر گردید. نظم انتشاری این مجله به علت گرفتاریهای مالی ناشر مدتی متوقف ماند تا در طول سالهای ۱۳۰۹-۱۳۱۰، سعید نفیسی مدیریت آن را برعهده گرفت و به طور منظم به انتشار آن کمر همت بست. این درست همزمان با انتشار دوره دوم افسانه در سال ۱۳۰۹

است. در داخل جلد افسانه آگهی انتشار مجله شرق را می توان یافت که به عنوان «مجله ادبی ماهیانه» معرفی شده است. در این دوره نویسندگان به نام آن روز با مجله شرق همکاری داشتند که از آن جمله می توان از عباس اقبال آشتیانی، غلامرضا رشید یاسمی، محمد حجازی، مسعود فرزاد، نصرالله فلسفی، شرف الدین قهرمانی، آقا بزرگ علوی، محمد محیط طباطبایی، محمد قزوینی، محمد تقی بهار، پروین اعتصامی، و خود سعید نفیسی نام برد. بخش اعظم اطلاعات مربوط به مجله شرق را از یادداشت مرحمت آمیز دکتر ناصرالدین پروین استخراج کرده ام با سپاس از او.

۳- مجله بخارا، شماره ۷، مرداد - شهریور ۱۳۷۸، تهران، ص ۲۹۱.

۴- تصویری از صفحه اول کتاب در مجله بخارا شماره ۷ ص ۲۸۸ به چاپ رسیده است و نیز در داخل جلد، جزوه ششم از دوره دوم افسانه انتشار کتاب به عنوان فهرست کتابهای چاپی تازه و کتب خطی نایاب و کتابخانه های مهم وعده داده شده است. در این آگهی آمده که مجله کتاب در اول و پانزدهم هر ماه مرتباً منتشر خواهد شد و اولین شماره نیز در روز اول آذر ۱۳۰۹ به بازار خواهد آمد.

۵- بخارا، شماره ۷، ص ۲۸۵-۲۸۶.

۶- افسانه، دوره اول، جلد نهم، آبان ۱۳۰۷، ص ۳۴.

۷- همان، دوره دوم، جزوه پنجاه و هشتم.

۸- همان، دوره دوم، جزوه پنجاه و سوم.

۹- نوشته های پراکنده صادق هدایت، با مقدمه حسن قائمیان - چاپ دوم با تجدید نظر کامل، ۱۳۴۴، تهران،

ص ۹.

۱۰- افسانه، دوره دوم، جزوه های چهارم و پنجم.

۱۱- افسانه، دوره دوم، جزوه های پنجاه و چهار و پنجاه و پنج.

۱۲- همان، جزوه چهل و هشتم.

۱۳- همان، جزوه هفتاد و چهارم.

۱۴- همان، جزوه شصت و چهارم.

۱۵- همان، جزوه ششم، پنجشنبه هشتم آبان ۱۳۰۹، ص ۱۶.

۱۶- همان جزوه چهارم، سه شنبه ششم آبان ۱۳۰۹، ص ۱۰.